**صاحب «الغدیر» علامه امینی (1320 - 1390 ه ق)**

**ادیب طوسی، محمد رضا**

علامه شیخ عبد الحسین احمد امین،در خاندانی روحانی و اهل علم زاده‏اند. در جوانی پس از تحصیلات ابتدائی و مقدماتی،به عراق رفت و در نجف مقیم گشت. پس از طی دوران تحصیل و رسیدن به مقام اجتهاد و تحقیق،و تألیف چند کتاب از جمله:«شهداء الفضیله»و تفسیر چند قسمت از«قرآن کریم»و«ریاض الانس»(در 2 جلد)و«العترة الطاهرة فی الکتاب العزیز»و حاشیه‏ای در اصول فقه و...نبوغ علمی‏ وی دامنه یافت.سپس او چهل سال از عمر خویش را در راه تألیف«الغدیر»گذاشت. الغدیر که به تعبیر محققان«شاهکار تحقیقی-روحانی»این عصر است در کثرت مآخذ و شدت امانت و قاطعیت مباحث بی‏مانند است.

کار دیگر علامهء امینی،تأسیس کتابخانهء بزرگ نجف است،به نام«مکتبة الامام امیر المؤمنین العامه».نجف اشرف تا پیش از تأسیس این کتابخانه دارای کتاب‏ خانه‏ای شایسته و مستقل نبود.ازاین‏رو،یکی از بزرگترین خدمتهای علمی،در تاریخ نجف،تأسیس این کتابخانهء زبده و جامع بود.

به همین علت،در روز افتتاح آن(روز غدیر سال 1379 هـ.ق.)،هنگامی‏ که علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی مؤلف«الذریعة الی تصانیف الشیعه»و «طبقات اعلام الشیعه»در ضمن مدعوین-برای افتتاح به کتابخانه می‏آید،به هنگام‏ ورود،اشاره به در کتابخانه کرده،به عنوان تقدیم و تعظیم این خدمت سترگ؟می‏گوید: «می‏خواهم صورت بر این درگاه بگذارم».

باری،علامهء امینی که خود،در طول سالیان دراز تحقیق و تألیف،به اهمیت‏ داشتن مآخذ و وسایل-برای روشن کردن هر حقیقتی-پی برده بود،به تأسیس این کتابخانه پرداخت.و با همراهی خیرخواهان بیداردل و روشن‏اندیش،این مرکز علم‏ و تحقیق را پی‏ریزی کرد.این کتابخانه اکنون،000,30 جلد کتاب دارد،که مقدار قابل توجهی از این تعداد،نسخ خطی نفیس است.این نسخه‏های نفیس،که در گوشه‏ و کنار جهان و کشورهای اسلامی،پراکنده بود،به همت و پشت‏کار امینی،استنساخ و عکسبرداری و فراهم شد.ارادت و اطمینانی که اشخاص به او داشتند،و هم جنبهء معنوی‏ کار،باعث شد که بسیاری نسخه‏های نفیس را در اختیار ایشان قرار دهند،تا یکجا گرد آید،و اکنون هر محققی بتواند صدها مآخذ اصیل را کنار هم ببیند.

اگر علامهء امینی،چند نسخهء نفیس خطی،از خانواده‏های شیعه و متدین‏ ایرانی گرفت؛و آنان از سر ارادت به کتابخانهء مولی علیه السّلام و به مرکز دینی و علمی و مذهبیشان تقدیم کردند،در عوض،صدها نسخه،از گوشه و کنار جهان،به وسیلهء علامهء امینی استنساخ شد و گرد آمد،که کمتر کسی توانست حتی با خرجهای گزاف‏ دولتی و...-چنین موفقیتی حاصل کند،و چنین خدمتی به محققان بنماید.

علامهء امینی این نسخ را گرد آورد،و اکنون هرکسی بخواهد،کتابخانه باسعهء صدر،فورا عکس گرفته در اختیار محقق قرار میدهد.

کار سومی که امینی در نظر داشت این بود که محلی به نام«غرف التألیف» نیز تأسیس کند،تا محققان و مؤلفان-از هرجای جهان-بتوانند در آن محل،با آرامش خاطر و وسائل فراهم،به تحقیق و تألیف بپردازند.خود آن مرحوم،از این‏ کار،با شوری عجیب یاد می‏کرد.اما فرا رسیدن پایان زندگی،دست او را ا زعملی‏ کردن این هدف والا کوتاه کرد.امید است که آن فکر عالی و مقدس پی گرفته شود.

پس از انتشار«الغدیر»دانشمندان و محققان کشورهای مختلف،از سنی و شیعه و مسیحی،تقدیر از مؤلف را وظیفهء علمی خویش دانستند و پیوسته به معرفی کتاب‏ و تجلیل از این خدمت علمی پرداختند.

این گروه بسیارند که اینک نام چند تن از آنان ذکر می‏شود:

محمد عبد الغنی حسن،مصری-عبد الفتاح عبد المقصود،مصری-یوسف اسعد داغر،بیروتی-بولس سلامه،بیروتی-محمد سعید دمدوح،حلبی-محمد تیسیر مخزومی،شامی-عادل فضبان،مصری(مدیر مجلهء الکتاب مصر)-علاءالدین خروفه(از علمای جامع الازهر)-دکتر صفا خلوصی(استاد دانشگاه کیمبریج)-استاد علی فکری، مصری-عبد الرحمن کیال،حلبی-دکتر مصطفی جواد،بغدادی-سید شرف الدین‏ موسوی،جبل عاملی-توفیق الفکیکی،بغدادی-دکتر محمد غلاب،مصری-و...

اینک به مناسبت سالگرد درگذشت وی‏1ترجمهء نامهء دکتر محمد غلاب،عقاید شناس و فیلسوف معروف مصری،استاد جامع الازهر،و مؤلف«الفلسفة الاغریقیه»و «الفلسفة الرواقیه»و«جماعة اخوان الصفا»را از نظر خوانندگان میگذرانیم:

«درودم را ارجگزاریم راهبری می‏کند،و سلامم را بزرگداشتم پیش می‏آورد، تا به پیشگاه عالمان عراق،به ویژه آنان که در نجف اشرفند،و در پیشاپیش همه، مؤلفان بزرگواری چونان شما،تقدیم بدارد.

من جلد اول و دوم،از کتاب نفیس شما(الغدیر)را از پست گرفتم.الغدیری که‏ به‏راستی،در درخشندگی و سودبخشی،چونان«غدیر»(برکه)است.الغدیری که‏ پژوهشگران آرزوی خویش را در آن می‏یابند،همانگونه که مسافر تشنه‏کام،به هنگام‏ رسیدن به«غدیر»آرزوی خویش را در آن می‏یابد و تشنگی خود را با آن برطرف می‏سازد.

الغدیری که شما،در آن،بخش مهمی از میراث اسلام را مورد توجه قرار داده‏اید درحالی‏که درصد به دست آوردن حقیقت و جستجو در روایات راست بوده‏اید،و همواره‏ هر شبهه‏ای بوده است،آن را به دست نقد و تصحیح سپرده‏اید.

ما یقین داریم که جوانان امروز اسلام،از این میوه‏های خوش‏گوار استفاده‏ خواهند کرد،به ویچه که بیشتر نوشته‏های امروز،کم‏مایه،سبک وزن،و بی‏ارج است. و کوشش علمی و ادبی،اکنون فقط کوششی است صرفا تجاری.

کتاب حضرت شما،در وقت مناسبی به دست من رسید،زیرا من هم‏اکنون،سرگرم‏ (1)علامهء امینی در روز جمعه 12 تیرماه 1349(28 ربیع الثانی 1390)در تهران درگذشت. جنازهء آن مرحوم،به نجف اشرف حمل شد،و در آنجا-در کتابخانه-به خاک سپرده گشت.

تحقیق و تألیف در بخشهای چندی از مسائل اسلامی هستم،ازاین‏رو برای من بسیار اهمیت دارد که اصول اساسی و آراء درست شیعهء اثنی عشری،در برابرم،روشن و مستند قرار داشته باشد.تا دیگر بار ما،در برابر این فرقهء جلیل(و معرفی عقاید آنان) مانند فلان...و فلان..1و دیگر نویسندگان تازه‏کار شتابزده،دچار لغزش نشویم.

من پیش از این نیز،چند کتاب از علمای عراق دربارهء عقاید شیعه دریافت‏ کرده‏ام.اکنون از خداوند مسئلت می‏کنم که ما را به یافتن راه راست موفق بدارد،و به استوارگویی رهنمون باشد،و تألیفات ما را برای خوانندگان سودمند قرار دهد.

در پایان احترام مرا بپذیرید.

دکتر محمد غلاب

استاد فلسفه در دانشکدهء اصول دین(الهیات) جامع الازهر

(1)-در اینجا علامه امینی نوشته‏اند:دکتر محمد غلاب،دو تن از نویسندگان مصری‏ را نام برده است،لیکن ما چون نمی‏دانیم که آیا راضی است که ما نیز نام آن دو تن را فاش‏ کنیم یا نه،ازاین‏رو از تصریح به نام آنان خودداری کردیم-«الغدیر»ج 4،ص«ب»

مرحوم پرتو بیضائی

آن ذره

ما فرقه که شاعر و سخن‏آراییم‏ بدبخت‏ترین مردم دنیاییم‏ خورشید معارفیم،اما در ملک‏ آن ذره که در حساب ناید ماییم